

مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران^۱

اکبر علی‌وردی‌نیا*

طرح مسئله: مقاله حاضر به دنبال تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر تغییرات میزان جرایم مواد مخدری در کشور می‌باشد؛ تا از این طریق بتواند سهم هر یک از متغیرهای مستقل را شناسایی و تعیین نماید.

روش: روش تحقیق این پژوهش روش طولی - تطبیقی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه استان‌های کشور در طی سالهای ۱۰ - ۱۳۶۸ تشکیل می‌دهد و واحد تحلیل نیز استان است. با این زمینه روش‌شناسی، مهم‌ترین متغیرهای تحقیق در یک چارچوب نظری انتخاب گردیده و سپس با استفاده از داده‌های ثانویه، الگوی تحلیلی تحقیق مورد آزمون تجربی قرار گرفته است.

یافته‌ها: الگوی تحلیلی این تحقیق صرفاً ۲۹ درصد از تغییرات جرایم مواد مخدری را در ایران می‌تواند توضیح دهد و باقیمانده آن را متغیرهای دیگری تبیین می‌کنند که خارج از حیطه بررسی این تحقیق است.

نتایج: به لحاظ نظری، این تحقیق مبتنی بر رویکرد ساختاری - کارکردی است. در این رویکرد، به جای توجه به عامل فردی، تفسیر اخلاقی؛ انتقاد از یک نهاد خاص و بیماری تلقی کردن اعتیاد به مواد مخدر، کل ساختار اجتماعی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: بی‌سازمانی اجتماعی، جرایم مواد مخدری، فردگرایی، وضعیت آنومیک، اعتیاد
تاریخ دریافت: ۱۶/۳/۸۴ تاریخ پذیرش: ۲۹/۱۱/۸۴

۱. مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی است که با شناسه «۵/۸۲/اجتماعی» نزد مؤسسه داریوش (مرکز آموزشی و پژوهشی سوء مصرف و وابستگی به مواد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی) به تصویب رسیده و با حمایت مادی و معنوی این مؤسسه اجرا شده است.
* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران <aliverdinia@umz.ac.ir>

مقدمه

ایران به سبب همجواری و داشتن طولانی‌ترین مرز مشترک با دو کشور تولیدکننده مواد مخدر (یعنی افغانستان و پاکستان)، پیوسته در معرض تهدید سوء مصرف مواد مخدر بوده است، به طوری که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بیش از ۳ میلیون نفر در ارتباط با جرایم مواد مخدر دستگیر شده‌اند، که دستگیری حدود ۲/۷ میلیون نفر از آنها طی ۱۵ سال اخیر (۸۲ - ۱۳۶۸) بوده است. ۶۵ درصد از این تعداد دستگیریه‌ها را معتادان و ۳۴ درصد آنها را افراد قاچاقچی تشکیل می‌دهند. براساس آمارهای ستاد مبارزه با مواد مخدر، مجموع کشفیات مواد مخدر جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۸۲ - ۱۳۵۸) تقریباً معادل ۴۶۶۰ تن است و اگر این میزان مواد مکشوفه را حداکثر ۲۰ درصد مواد مخدر ورودی به داخل کشور تصور نماییم، می‌توان گفت که حدود ۲۳۳۰۰ تن مواد مخدر در طی ۲۵ سال گذشته به منظور مصرف داخلی و ترانزیت به کشورهای اروپایی - آمریکا وارد کشور شده است. مجموع تولید تریاک در افغانستان بین سالهای ۲۰۰۴ - ۱۹۸۶ (۸۲ - ۱۳۶۵ هجری شمسی) برابر ۴۴۲۵۵ تن است که در برابر میزان کشفیات ۲۵ ساله کشور، تقریباً معادل ۱۱ درصد تولید تریاک در افغانستان طی مدت مذکور می‌باشد.

۱) طرح مسئله

صرف نظر از ماهیت جامعه و سطح توسعه آن می‌توان گفت که سوء مصرف مواد، به‌عنوان یک مسئله اجتماعی هنگامی مطرح شد که پدیده‌های اجتماعی نظیر شهرنشینی و صنعتی شدن به وقوع پیوست. ملزومات ناشی از صنعتی شدن موجب تنشهایی در سطوح شخصی و اجتماعی گردید. گمنامی شهری نه تنها از نقش نظارتی خانواده کاست، بلکه موجب کاهش نقش نظارتی مذهب نیز شد. این گمنامی با از خودبیگانگی انسان مضاعف گردید. تمنیات سیری‌ناپذیر انسان باعث تنشها و محرومیت‌های بیشتر انسان شد و این خود موجب گردید که در مرحله اول، وی آرامش خود را در پناه بردن به مواد مخدر جستجو کند و نهایتاً هنگامی که مشکلات تحمل‌ناپذیر می‌شدند به اعتیاد روی آورد. مسئله تخلفات مرتبط با مواد مخدر یکی از پیچیده‌ترین چالش‌هایی است که در حال حاضر جامعه ایران با آن مواجه است. افزایش تخلفات مواد مخدر در ایران باعث این آگاهی فزاینده شده است

که ایران با یک مسئله اجتماعی عمده مواجه می‌باشد. تخمینهای مبتنی بر گزارشهای سازمان ملل نشان می‌دهد که ۲-۱/۵ درصد (حدود ۱/۳ میلیون نفر) از جمعیت ایران مشکل جدی با سوء مصرف مواد مخدر دارند. در ایران حدود ۸۰ هزار زندانی مرتبط با مواد مخدر وجود دارد؛ یعنی بیش از نیمی از جمعیت زندانیان. با توجه به بررسیهای انجام شده می‌توان گفت که تاکنون تحقیق جامعه‌شناسانه‌ای که تمامی استانهای ایران را به‌طور تطبیقی و در طی یک دوره سیزده ساله (۱۳۸۰-۱۳۶۸) به لحاظ میزان اعتیاد به مواد مخدر مطالعه کرده باشد، صورت نگرفته است.

۲) چارچوب نظری

نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی^۱ و آنومی^۲ (که از آن تحت عنوان نظریه فشار نیز یاد می‌شود)، از سنت‌های تحقیقی و نظری متفاوتی به‌وجود آمده‌اند. اگرچه، به لحاظ اینکه آنها موضوع مشترکی دارند، معمولاً در یک فصل منظور می‌شوند، هر کدام از آنها نظم، ثبات و هماهنگی اجتماعی را منشأ ایجاد هم‌نوایی می‌دانند، در حالی‌که بی‌نظمی و عدم هماهنگی را منشأ بروز جرم و انحراف محسوب می‌کنند. یک نظام اجتماعی (یک جامعه، اجتماع، یا خرده‌نظام در درون یک جامعه) در صورتی تحت عنوان یک نظام اجتماع سازمان‌یافته و هماهنگ توصیف می‌شود که درخصوص هنجارها و ارزشهای آن نوعی اتفاق نظر درونی و اجماع رأی وجود داشته باشد، میان اعضای آن همبستگی قوی به‌وجود آید و تعامل اجتماعی به‌گونه‌ای منظم در آن جریان یابد. برعکس، در صورتی که در همبستگی و انسجام اجتماعی آن خللی حاصل شود، یا کنترل اجتماعی در آن دستخوش زوال گردد یا بین اجزا و عناصر آن تفرقه و پراکندگی به‌وجود آید، نظامی بی‌سازمان و آنومیک (نابسامان) توصیف می‌شود. هر کدام از این نظریات قائل به این نکته هستند که هر چه همبستگی و انسجام در درون یک گروه، اجتماع یا جامعه کمتر باشد، میزان جرم و انحراف در آن بالاتر خواهد بود. هر یک از آنها تلاش می‌کنند میزان بالای جرم و

1. Social Disorganization

2. Anomie

بزهکاری در بین طبقات پایین محروم و گروه‌های قومی را تبیین نمایند. هر دو نظریه، در برخی مواقع، به‌طور خاص بر روی دسته‌های بزهکار و مجرم و خرده فرهنگها نیز متمرکز شده‌اند (Akers, 2004:159).

بی‌سازمانی اجتماعی از طریق آثار رابرت بورسیک (R. Bursik)، رابرت سمپسون (R. Sampson) و سایر کسانی که این نظریه را مورد تحلیل مجدد قرار دادند، توجه نظری احیا شده‌ای را به خود جلب نموده و ضمن مرتبط کردن این نظریه با نظریه‌های فعلی، انتقاداتی را نیز متوجه آن نموده است. بورسیک و گراسمیک (Bursik & Grasmik, 1993) خاطرنشان می‌سازند که شاو و مک‌کی (Shaw and Mackey) مفروض نمی‌دارند که بوم‌شناسی شهری، شرایط اقتصادی محلات شهری و تغییرات اجتماعی سریع، علل مستقیم جرم و بزهکاری هستند، بلکه شاو و مک‌کی چنین مطرح می‌کنند که بی‌سازمانی اجتماعی باعث تحلیل رفتن کنترل اجتماعی غیررسمی در درون محلات و اجتماع شده، لذا میزان جرم افزایش می‌یابد. فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی عنصر مهمی است که در پشت مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی وجود دارد و همین عنصر است که بی‌سازمانی اجتماعی را با نظریه‌های نوین کنترل اجتماعی پیوند می‌دهد. وارنر و پیرس (Warner and Pierce, 1993) در مطالعه خود نشان داده‌اند که رابطه‌ای قوی بین میزان تلفن به پلیس (توسط قربانیان تجاوز و سرقت) و فقر محلات، ناهمگونی نژادی، بی‌ثباتی جمعیتی، گسیختگی خانواده و تراکم بالای واحدهای مسکونی به‌عنوان شاخصهای بی‌سازمانی اجتماعی وجود دارد. این ایده که بی‌سازمانی اجتماعی از طریق به تحلیل بردن کنترل اجتماعی غیررسمی بر روی جرم و انحراف تأثیر می‌گذارد، با تحقیقاتی که کسانی چون گاتفردسن (Gottfredson, et al., 1991)، بورسیک (Bursik, 1988)، سمپسون و گروز (Sampson & Groves, 1989)، بورسیک و گراسمیک (Bursik & Grasmick, 1993) انجام داده‌اند، تأیید شده است. دربارهٔ آزمون رابطهٔ بین جنبه‌های مختلف بی‌سازمانی اجتماعی و جرم، مطالعات و پژوهشهای بسیاری انجام شده است. اغلب این مطالعات بر روی عوامل کلان در سطح اجتماع و روابطشان با میزان جرم متمرکز شده است (Sampson, 2000). برای مثال، استارک (Stark, 1987) چنین مطرح می‌کند که ویژگیهای ساختاری نظیر تراکم جمعیتی بالا، بی‌ثباتی زیاد، فقر گسترده و فرسودگی ساختمانها، همگی منجر به میزان بالای جرم خواهند شد. در مطالعه‌ای که اوزگود و چمبرز (Osgood and

(Chambers, 2000:81-115) درباره جرم جوانان در مناطق روستایی انجام داده‌اند، نشان داده می‌شود که بی‌ثباتی مکانی، عدم تجانس قومی و گسیختگی خانواده، با میزان بالای برخی جرایم نظیر تجاوز به عنف، ضرب و جرح و استفاده از سلاح عجین می‌باشد. با این حال، این مطالعه رابطه‌ای بین جرایم مزبور و فقر یا بیکاری نشان نمی‌دهد. در مجموع، می‌توان گفت که بی‌سازمانی اجتماعی نتیجه فرایندهای تضاد هنجاری و ارزشی، تغییرات فرهنگی، خلأهای فرهنگی و ضعف روابط اولیه است (Veysse and Messner, 1999:157). از این رو، این وضعیت باعث کاهش کنترل اجتماعی بیرونی و سوق دادن افراد به سمت رفتارهای انحرافی می‌شود. در واقع، ویژگیهایی چون شهرنشینی، تحرک مکانی، ناهمگونی قومی یا نژادی و گسیختگی خانواده مانع از توانایی اجتماعی در اعمال کنترل اجتماعی بر روی افراد می‌شود (Paulsen and Robinson, 2004:57). زمانی که یک جامعه بیشتر صنعتی می‌شود و تنوع بیشتری پیدا می‌کند، علقه‌های اجتماعی که بازدارنده رفتارهای جرم‌زا هستند، دیگر مؤثر نخواهد بود. در واقع تأثیرات ملازم با توسعه نظیر بالا رفتن آموزش، مهاجرت از روستا، ماهیت ناپایدار نیروی کار، و تأکید بر زوی کالاهای مادی، موجب تحلیل رفتن مکانیسمهای کنترل غیررسمی می‌شود. این شکست در نظام هنجاری، به‌عنوان افزایش‌دهنده جرم در ملل صنعتی و در حال صنعتی شدن، نگریسته شده است. (Krohn, 1978:667)

۳) فرضیه‌های تحقیق

- صنعتی شدن با جرایم مواد مخدری رابطه مستقیم دارد؛
- فردگرایی با جرایم مواد مخدری رابطه مستقیم دارد؛
- وضعیت آنومیک با جرایم مواد مخدری رابطه مستقیم دارد؛
- سهولت دسترسی به مواد مخدر با جرایم مواد مخدری رابطه مستقیم دارد؛
- بیکاری با جرایم مواد مخدری رابطه مستقیم دارد؛
- صنعتی شدن با فردگرایی رابطه مستقیم دارد؛
- وضعیت آنومیک با فردگرایی رابطه مستقیم دارد؛
- صنعتی شدن با وضعیت آنومیک رابطه مستقیم دارد؛
- وضعیت آنومیک با فعالیت قاچاقچیان رابطه مستقیم دارد؛

- بی‌سازمانی اجتماعی با فعالیت قاچاقچیان رابطه مستقیم دارد؛
- بیکاری با فعالیت قاچاقچیان رابطه مستقیم دارد؛
- وضعیت آنومیک با بی‌سازمانی اجتماعی رابطه مستقیم دارد؛
- صنعتی شدن با بی‌سازمانی اجتماعی رابطه مستقیم دارد.

۴) روش

۴-۱) روش تحقیق

با توجه به سطح تحلیل یعنی کشور و واحدهای تحلیل یعنی استان، روش تحقیق این پژوهش روش طولی - تطبیقی درون کشوری است، که با استفاده از داده‌های ثانویه به انجام رسیده است. داده‌های ثانویه مورد نیاز این تحقیق متکی بر گزارش‌ها و نشریه‌های معتبر (شامل مرکز آمار ایران، ستاد مبارزه با مواد مخدر و نیروی انتظامی) می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق متشکل از کلیه استانهای کشور در طی سالهای ۸۰ - ۱۳۶۸ می‌باشد. لذا جامعه آماری تحقیق از ۳۳۴ واحد تحلیل تشکیل شده است. مهم‌ترین تکنیک آماری که در این تحقیق مورد استفاده واقع گردیده، تحلیل رگرسیون چند متغیری است و برای آزمون الگوی تحلیلی نیز از تحلیل مسیر استفاده شده است؛ در ضمن کلیه مراحل پردازش داده‌ها با بسته نرم‌افزاری علوم اجتماعی یعنی SPSS به انجام رسیده است.

۴-۲) متغیرها و شاخصهای پژوهش

- **جرایم مواد مخدری:** عبارت است از کلیه کسانی که در نسبت با تخلفات مواد مخدری دستگیر شده‌اند و برای سنجش آن از شاخصهای میزان دستگیرشدگان قاچاقچی، میزان دستگیرشدگان معتاد و میزان دستگیرشدگان اتباع بیگانه استفاده شده است؛ به طوری که، شاخصهای فوق با یکدیگر ترکیب شده و متغیری به نام «میزان کل جرایم مواد مخدری» ساخته شده است.
- **دسترسی به مواد مخدر:** به معنی فراوانی و سهولت دسترسی به مواد مخدر می‌باشد و برای سنجش این متغیر از شاخص میزان کل کشفیات مواد مخدر (شامل تریاک، هروئین، حشیش، مورفین و سایر مواد مخدر مکشوفه) استفاده شده است.

- **صنعتی شدن:** عبارت از تجهیز یک شهر یا یک منطقه از نظر صنعتی است. در سطح یک کشور، به معنای گذشتن از مرحله فعالیتهای زراعی که تا پیدایی فرایند صنعت اساسی شناخته می‌شد و دستیابی به فعالیتهای صنعتی یعنی مجموع فنون و حرفی که مواد اولیه را به منظور انطباق با نیازهای انسانی مورد استفاده قرار می‌دهند (به استثنای امور مربوط به فعالیتهای کشاورزی). به منظور سطح سنجش میزان صنعتی بودن هر استان، از شاخص میزان کارگاه‌های صنعتی بزرگ استفاده شده است.
 - **بیکاری:** افرادی که شاغل نیستند ولی قادر به کار می‌باشند به‌عنوان بیکار شناخته می‌شوند. به منظور سنجش این مفهوم از شاخص، در واحد تحلیل استان، از شاخص درصد بیکاران در جمعیت فعال استفاده گردیده است.
 - **بی‌سازمانی اجتماعی:** عبارت است از گسیختگی در روابط و تناسب کار گروهی و اخلاق در میان گروه‌هایی از اشخاص که به یکدیگر مرتبط‌اند و این گسیختگی به جامعه آسیب می‌رساند. در واقع، بی‌سازمانی اجتماعی بر اثر به هم خوردن یا از بین رفتن به هم پیوستگی سازمان اجتماعی به‌وجود می‌آید. برای سنجش مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی از شاخصهای میزان مهاجرت و میزان طلاق استفاده شده است.
 - **فردگرایی:** به معنی داشتن گرایش فردگرایانه است؛ به عبارت دیگر اولویت بخشیدن به قضاوت شخصی و تضعیف علقه‌های پیونددهنده فرد به جامعه را فردگرایی گویند. برای سنجش این مفهوم از شاخصهای میزان باسوادان و میزان فارغ‌التحصیلان آموزشی عالی استفاده شده است.
 - **وضعیت آنومیک:** عبارت است از ضعف هنجارها در نظارت به رفتارهای افراد اجتماع. در واقع، وضعیت آنومیک به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نظارت جامعه به رفتار افراد و هنجارها ضعیف شده یا از بین برود و از شدت نفوذ نظارت‌کننده هنجارهای اجتماعی در جامعه کاسته شود. برای سنجش این مفهوم از دو شاخص میزان شهرنشینی و میزان تصادفات استفاده شده است.
- این توضیح لازم است که تمامی متغیرهای تحقیق به‌صورت میزان^۱ بوده و با فرمول ذیل محاسبه شده است:

1. Rate

$$\text{میزان متغیر} = \frac{\text{متغیر مورد نظر}}{\text{کل جمعیت}} \times ۱۰۰۰۰۰$$

همچنین، با توجه به اینکه واحدهای سنجش برخی از شاخصها با یکدیگر هم وزن نبوده و متفاوت است لذا برای ساختن متغیرهای بی‌سازمانی اجتماعی، فردگرایی، وضعیت آنومیک و فعالیت قاچاقچیان، پس از تبدیل داده‌های خام به صورت میزان، شاخصهایی که به صورت میزان درآمده است استاندارد (Z) گردیده‌اند. نهایتاً داده‌های استاندارد شده با یکدیگر ترکیب شده و متغیرهای مذکور ساخته شده‌اند.

(۵) یافته‌ها

نگاهی به جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که در مجموع، روند دستگیری مجرمان مواد مخدر طی سالهای ۶۸ تا ۸۰ سیری صعودی داشته است. بدین ترتیب در سال ۶۸، کل دستگیرشدگان مواد مخدر برابر با ۲۵۴ نفر به ازای یکصد هزار نفر جمعیت بوده است که با رشدی معادل ۸۱ درصد به ۴۶۰ نفر در سال ۸۰ بالغ گردیده است. در طی همین سالها به طور میانگین، سالانه ۲۶۱ نفر به ازای هر صد هزار نفر جمعیت در کل کشور در ارتباط با جرایم مواد مخدر دستگیر شده‌اند که بیشترین رقم دستگیرشدگان مربوط به سال ۸۰ با ۴۶۰ نفر بوده و کمترین رقم در سال ۷۱ یا ۶۵ نفر گزارش شده است. توزیع استانی دستگیرشدگان مواد مخدری بیانگر این نکته است که در استانهای مختلف کشور این میزان یکسان نبوده، نوسانات نسبتاً شدیدی را نشان می‌دهد، مثلاً در حالی که در استان یزد ۵۱۳ نفر به ازای هر یکصد هزار جمعیت در ارتباط با جرایم مواد مخدری دستگیر شده‌اند، این رقم در استان آذربایجان شرقی ۸۴ نفر گزارش شده است. همچنین ارقام میزان دستگیرشدگان در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که در این سال بیشترین میزان دستگیرشدگان مواد مخدر در استانهای قم و یزد، به ترتیب با ۷۴۰ و ۶۹۶ نفر به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت گزارش شده است. این در حالی است که استانهای آذربایجان شرقی (۱۷۴ نفر)، آذربایجان غربی (۱۷۸ نفر) و ایلام (۱۹۴ نفر)، کمترین سهم دستگیری مجرمان مواد مخدری را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱: میانگین میزان دستگیرشدگان مواد مخدری در استانهای کشور ۸۰ - ۶۸

ردیف	دستگیرشدگان		متعاد	اتباع بیگانه	کل دستگیرشدگان
	استان	فاچاقچی			
۱	آذربایجان شرقی	۲۰/۲۹	۶۳/۹۴	۰/۵۱	۸۴/۲۹
۲	آذربایجان غربی	۲۳/۱۰	۶۴/۰۳۲	۰/۲۴۳	۸۷/۶۸
۳	اردبیل	۳۹/۸۷	۸۹/۳۷	۰/۱۷۹	۱۲۹/۴۳
۴	اصفهان	۵۹/۹۰	۱۶۲/۰۷	۲/۵۰	۲۲۴/۴۸
۵	ایلام	۳۱/۴۵	۶۶/۶۸	۰/۲۴۳	۹۸/۳۷
۶	بوشهر	۶۸/۱۲	۱۰۵/۷۶	۱/۴۶	۱۷۵/۳۴
۷	تهران	۱۸۵/۱۵	۱۸۶/۱۵	۲/۸۰	۳۷۴/۱۱
۸	چهارمحال و بختیاری	۸۳/۴۶	۱۵۲/۰۹	۰/۲۷۱	۲۳۵/۶۲
۹	خراسان	۹۸/۶۷	۲۲۳/۶۹	۴/۲۹	۳۲۶/۶۶
۱۰	خوزستان	۴۲/۵۶	۱۴۰/۵۷	۰/۶۰	۱۸۳/۷۳
۱۱	زنجان	۴۰/۴۰	۱۳۲/۱۳	۰/۱۱۷	۱۷۳/۶۵
۱۲	سیستان و بلوچستان	۹۶/۱۵	۱۲۴/۲۵	۷/۲۱	۲۲۷/۷۲
۱۳	سمنان	۸۸/۱۴	۲۵۵/۲۳	۴/۶۰	۳۴۷/۹۸
۱۴	فارس	۷۳/۵۸	۱۲۲/۷۵	۲/۲۴	۱۹۸/۳۸
۱۵	قزوین	۵۹/۷۸	۳۵۵/۱۸	۱/۲۹	۴۱۶/۲۵
۱۶	قم	۲۶۶/۶۵	۲۰۳/۰۳	۹/۹۰	۴۷۹
۱۷	کردستان	۲۹/۹۶	۷۸/۲۳	٪۴۹	۱۰۸/۴۶
۱۸	کرمان	۲۵۰/۵۶	۱۴۹/۷۶	۸/۰۸	۳۸۳/۳۲
۱۹	کرمانشاه	۹۱/۷۸	۱۰۸/۲۷	۰/۵۲۵	۲۰۰/۵۸
۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۲۵/۷۵	۱۰۰/۵۲	۰/۸۷۱	۱۲۷/۱۵
۲۱	گلستان	۱۱۸/۸۳	۲۶۶/۲۰	۳/۷۹	۳۸۸/۸۴
۲۲	گیلان	۳۶/۹۶	۲۰۲/۴۱	۰/۳۴۳	۲۳۹/۷۲
۲۳	لرستان	۶۸/۴۱	۲۰۷/۶۷	۰/۲۲۵	۲۷۶/۳۱
۲۴	مازندران	۱۰۲/۷۲	۲۳۱/۷۷	۱/۲۶	۳۳۵/۷۵
۲۵	مرکزی	۴۶/۰۳	۲۰۰/۳۲	۲/۰۳	۲۴۸/۳۹
۲۶	هرمزگان	۲۳۴/۷۱	۲۲۱/۳۲	۵/۹۷	۴۶۶/۴۱
۲۷	همدان	۹۶/۳۴	۲۷۳/۲۳	۰/۱۵۲	۵۲۲/۴
۲۸	یزد	۲۰۰/۹۰	۳۰۰/۴۹	۱۲/۰۸	۵۱۳/۴۸
	میانگین کل	۸۹/۴	۱۶۴	۲/۵	۲۶۱

مأخذ: ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ دفتر برنامه‌ریزی و آمار

جدول ۲: میانگین میزان دستگیر شدگان مواد مخدر در استانهای کشور ۸۰ - ۶۸

ردیف	سال	دستگیر شدگان	قاچاقچی	معتاد	اتباع بیگانه	کل دستگیر شدگان	درصد	درصد تجمعی
۱	۱۳۶۸	۴۳/۶۸	۲۱۱/۳۰	۰/۸۹	۲۵۶	۷/۴۲	۷/۴۲	
۲	۱۳۶۹	۴۴/۶۰	۱۴۴/۵۲	۱/۲۹	۱۹۰/۴۲	۵/۵۲	۱۲/۹۴	
۳	۱۳۷۰	۴۵/۶۸	۹۷/۵۳	۰/۹۵	۱۴۶	۴/۲۳	۱۷/۱۷	
۴	۱۳۷۱	۲۰/۵۳	۴۳/۸۴	۰/۶۲	۶۵	۱/۸۸	۱۹/۰۵	
۵	۱۳۷۲	۳۲/۷۳	۷۴/۳۳	۱/۱۲	۱۰۸/۱۸	۳/۱۳	۲۲/۱۸	
۶	۱۳۷۳	۶۸/۹۱	۱۰۲/۹۳	۰/۶۵	۲۵۲/۴۸	۷/۳۲	۲۹/۵	
۷	۱۳۷۴	۱۲۵/۳۷	۱۴۲/۸۴	۲/۴۷	۲۷۱	۷/۸۶	۳۷/۳۶	
۸	۱۳۷۵	۸۸/۱۶	۱۴۰/۷۲	۲/۷۰	۲۳۲	۶/۷۳	۴۴/۰۹	
۹	۱۳۷۶	۱۰۶/۸۷	۱۵۱/۶۶	۳/۱۳	۲۶۱/۴۷	۷/۵۸	۵۱/۶۷	
۱۰	۱۳۷۷	۱۱۹/۰۹	۱۸۰/۴۰	۴/۱۱	۴۳۱/۲۹	۱۲/۵۱	۶۴/۱۸	
۱۱	۱۳۷۸	۱۵۱/۴۱	۲۲۳/۱۵	۴/۱۷	۳۶۷	۱۰/۶۴	۷۴/۸۲	
۱۲	۱۳۷۹	۱۴۱/۴۰	۲۶۱/۶۷	۴/۳۴	۴۰۷/۴۲	۱۱/۸۱	۸۶/۶۳	
۱۳	۱۳۸۰	۱۴۲/۶۶	۳۱۲/۰۲	۵/۱۰	۴۶۰	۱۳/۳۷	۱۰۰	
۱۴	جمع کل	—	—	—	—	—	۱۰۰	
۱۵	میانگین	۸۹/۴	۱۶۴	۲/۵	۲۶۱	—	—	

مأخذ: ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ دفتر برنامه‌ریزی و آمار

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، میزان دستگیر شدگان در ارتباط با جرایم مواد مخدر طی سالهای ۶۸ تا ۸۰ در کل کشور روندی صعودی داشته است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌گردد در سال ۶۸ به‌ازای هر صد هزار نفر عدد ۲۵۶ نفر دستگیر شده‌اند که این رقم با افزایش تقریباً ۸۰ درصدی به ۴۶۰ نفر رسیده است. بیشترین و کمترین درصد دستگیر شدگان مواد مخدر به ترتیب در سالهای ۸۰ و ۷۱ با ۱۳/۴ و ۱/۹ درصد گزارش شده‌اند. همچنین آمارها نشان می‌دهد که سیر دستگیری مجرمان مواد مخدری طی سالهای

۷۶ تا ۸۰ از شتاب بیشتری برخوردار بوده است، چرا که نزدیک به نیمی از مجرمان طی این ۵ سال دستگیر شده‌اند در حالی که نیمی دیگر از مجرمان طی ۸ سال (از ۶۸ تا ۷۵) به دست مجریان قانون افتاده‌اند. بیشترین سهم دستگیرشدگان متعلق به معتادان مواد مخدر (۶۸ درصد) و سپس قاچاقچیان (۳۱ درصد) بوده است. اتباع بیگانه فقط ۲ درصد از کل دستگیرشدگان را تشکیل می‌داده‌اند.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که طی سالهای ۶۸ تا ۸۰ در کل کشور میزان کل کشفیات مواد مخدر روند صعودی داشته است. ۱/۱ برابر شدن کشفیات هرویین، ۲۰ برابر شدن کشفیات مرفین، ۳ برابر شدن کشفیات تریاک، ۲/۶ برابر شدن مقادیر حشیش کشف شده و ۲/۷ برابر شدن میزان کل مواد مخدر مکشوفه در کل کشور، بیانگر روند صعودی کشفیات مواد مخدر طی سالهای مورد بررسی است.

۶) بحث و نتیجه‌گیری

اگر پدیده اجتماعی «جرایم مواد مخدری» را به پدیده فردی و یا توطئه خارجی تقلیل ندهیم، می‌توان از منظر جامعه‌شناختی برای موضوع مواد مخدر در جامعه ما نگرشی نافذ ارائه کرد. رویکرد اساسی برای مسئله مواد مخدر با ملاحظات ساختاری - کارکردی، در انواع پرسشهایی که از چنین دیدگاهی مطرح شده است، دیده می‌شود: چگونه فرهنگ مواد مخدر با کل ساختار اجتماعی به‌عنوان عنصری از نظامی وسیع‌تر وفق می‌یابد؟ چه نوع ساختار اجتماعی با فرهنگ مواد مخدر، به‌عنوان عنصری درونی ترکیب می‌شود؟ جرایم مواد مخدری بر بقیه سیستم چه تأثیری می‌گذارد؟ از این رو، طبق این دیدگاه می‌توان گفت که جرایم مواد مخدری و فرهنگ آن، تشکیل الگوی بزرگتری را می‌دهد که هیچ نهادی به تنهایی مسئول آن نیست و اگر نگاه ما به مسئله جرایم مواد مخدری صرفاً مقابله‌ای باشد، هیچ موفقیتی در این عرصه حاصل نخواهد شد. با این زمینه نظری، فرضیه‌های استنتاج شده در قالب الگوی تحلیلی ارائه و سپس کوشش به‌عمل آمده است تا با استفاده از داده‌های ثانویه، الگوی تحلیلی تحقیق مورد آزمون تجربی قرار گیرد. برای تحلیل و تفسیر داده‌های ثانویه از ضرایب مسیر به‌عنوان شاخص اصلی استفاده شده است.

جدول ۳: میانگین میزان مواد مخدر مکشوفه در استانهای کشور ۸۰ - ۶۸

ردیف	کشفیات سال	هرویین	مرفین	تریاک	حشیش	سایر مواد	کل کشفیات	درصد کل کشفیات	درصد جمع
۱	۱۳۶۸	۴/۹۳	۰/۵۸	۳۵/۶۰	۱۷/۳۲	۱۶/۱۶	۷۴/۶۰	۲/۴۳	۲/۴۳
۲	۱۳۶۹	۲/۶۸	۱۱/۰۹	۲۷/۳۰	۷/۰۳	۷/۲۸	۵۵/۳۹	۱/۸۰	۴/۲۳
۳	۱۳۷۰	۰/۸۸	۲۰/۲۸	۵۵/۳۸	۶/۲۲	۱/۴۲	۸۴/۲۲	۰/۰۲	۴/۲۵
۴	۱۳۷۱	۱/۱۰	۵۸/۶۰	۹۶/۸۸	۶/۴۴	۱/۶۸	۱۶۴/۶۶	۵/۳۶	۹/۶۱
۵	۱۳۷۲	۳/۹۹	۳۳/۸۷	۱۱۶/۱۰	۱۱/۷۵	۰/۷۲	۱۷۳/۴۶	۵/۶۵	۱۵/۲۶
۶	۱۳۷۳	۱/۴۱	۲۳/۶۱	۲۰۸/۹۲	۳۸/۶۱	۰/۸۵	۲۴۹/۳۲	۸/۱۲	۲۳/۳۸
۷	۱۳۷۴	۴/۷۰	۲۶/۸۱	۴۰۵/۶۱	۶۳/۷۹	۱/۶۶	۵۰۹/۳۷	۱۶/۶	۳۹/۹۸
۸	۱۳۷۵	۲/۲۲	۱۱/۰۹	۲۱۰/۱۷	۱۴/۶۴	۰/۵۷	۲۴۱/۴۳	۷/۸۶	۴۷/۸۴
۹	۱۳۷۶	۴/۸۵	۳۳/۷۱	۲۴۵/۷۶	۲۰/۶۹	۰/۳۲	۳۰۴/۵۱	۹/۹	۵۷/۷۴
۱۰	۱۳۷۷	۲/۹۱	۲۳/۴۶	۲۰۴/۱۶	۳۲/۲۱	۰/۹۸	۲۵۹/۳۴	۸/۴	۶۶/۱۲
۱۱	۱۳۷۸	۸/۶۸	۳۱/۳۱	۳۳۱/۵۴	۴۱/۹۵	۱/۳۶	۴۰۸/۳۲	۱۳/۵	۷۹/۶۲
۱۲	۱۳۷۹	۷/۵۷	۱۹/۷۵	۲۵۱/۶۷	۶۰/۸۶	۳/۰۷	۳۴۲/۹۱	۱۱/۴۸	۹۱/۱
۱۳	۱۳۸۰	۵/۳۳	۱۱/۹۷	۱۰۹/۰۷	۴۵/۶۱	۲/۳۸	۲۰۲/۳	۸/۹	۱۰۰
۱۴	جمع کل	—	—	—	—	—	—	۱۰۰	۱۰۰
۱۵	میانگین	۴/۰۲	۲۳/۴	۱۸۰	۲۷/۷	۲/۹	۲۴۰/۷	—	—

مأخذ: ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ دفتر برنامه‌ریزی و آمار

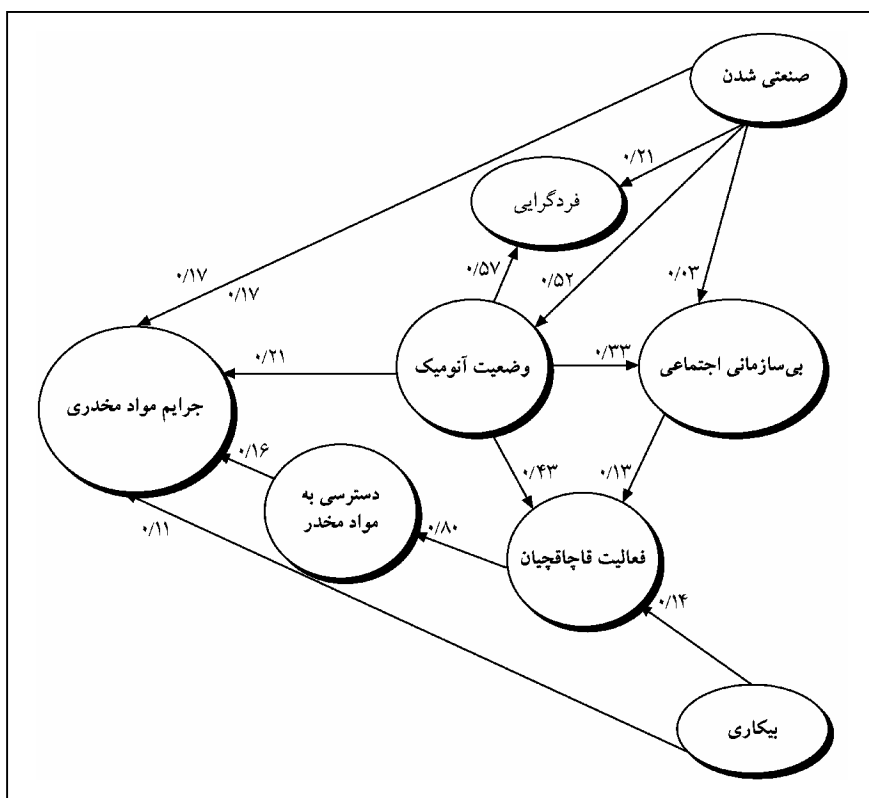
ضرایب مسیر الگوی تحلیلی فوق (نمودار ۱) نشان‌دهنده این است که از میان پنج متغیر صنعتی شدن، فردگرایی، وضعیت آنومیک، دسترسی به مواد مخدر و بیکاری در پیش‌بینی میزان جرایم مواد مخدری در ایران، متغیر وضعیت آنومیک اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا، وضعیت آنومیک بزرگترین ضریب مسیر (۰/۲۱) را دارا می‌باشد. متغیرهای صنعتی شدن و فردگرایی با ضرایب مسیر ۰/۱۷ پس از متغیر وضعیت آنومیک بیشترین تأثیر را روی تغییرات میزان جرایم مواد مخدری دارند. چهارمین متغیری که در این تحقیق به‌طور

همزمان همراه با چهار متغیر مستقل دیگر به روش جبری وارد معادله شده است، متغیر دسترسی به مواد مخدر است. این متغیر در مقایسه با سه متغیر پیشین، ضریب مسیر کوچکتری را به خود اختصاص داده است (۰/۱۶). در نهایت، آخرین متغیری که برای تبیین میزان جرایم مواد مخدری وارد معامله گردیده است، بیکاری می‌باشد، که ضریب مسیر آن معادل ۰/۱۱ است.

آنچه در تبیین نظری رابطه مستقیم بین وضعیت آنومیک و جرایم مواد مخدری می‌توان گفت این است که هرگاه شیرازه نظمهای اجتماعی از هم گسیخته گردد، نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایشهای فردی، دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. در این موقعیت، آرزوهای فردی، دیگر با هنجارهای مشترک تنظیم نمی‌شود و در نتیجه، افراد از راهنمایی اخلاقی بی‌بهره می‌مانند و هر کسی فقط هدفهای شخصی را دنبال می‌کند. در وضعیت آنومیک، جامعه نفوذ خود را در هدایت رفتار بشر از دست می‌دهد (Deflem, 1989: 628). برای پی بردن به این مطلب، کافی است شهرهای بزرگ را با شهرهای کوچکتر مقایسه کنید. در شهرهای کوچک، هر کس بخواهد از عاداتهای جاری مردم تخلف کند با مخالفتی که گاه شدید است روبه‌رو می‌شود. برعکس، در شهرهای بزرگ، فرد بیشتر از قید عمومی آزاد است؛ این امری است که در تجربه ثابت می‌شود و در اعتبار آن نمی‌توان تردید داشت. (دورکیم، ۱۳۶۹: ۳۱۸)

همچنین، ضرایب مسیر، نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین فردگرایی و جرایم مواد مخدری است و به‌ازای واحد افزایش انحراف معیار در فردگرایی ۰/۱۷ انحراف معیار به میزان جریان مواد مخدری افزوده می‌شود. در تبیین نظری رابطه فوق می‌توان گفت که جرایم مواد مخدری یک ملازم تغییرات ساختاری است که در فرایند توسعه اقتصادی زمینه بروز بیشتری پیدا می‌کند. در جوامع سنتی - که برحسب تفوق اجتماعی علقه‌های خویشاوندی تعریف می‌شود - سن، جنس و اصل و نسب خانوادگی، برای تعیین و تشخیص نقش اهمیت اساسی دارند. از این‌رو، هویت اجتماعی که در این‌گونه جوامع مبتنی بر پایگاه محول است، کمتر در معرض تهدید و آسیب‌پذیری می‌باشد. اما در جوامع صنعتی، توسعه اقتصادی، نهادهای سنتی پیشاوندی و نظام نقشهای محول آن را از بین برده و نقشهایی که

نمودار ۱: تحلیل مسیر استانهای ایران ۸۰ - ۱۳۶۸ (کل کشور)



مستلزم مهارت، سواد و خلاقیت‌های فردی است، جایگزین آن نموده است. لذا، هنگامی که در تعیین نقش‌های اجتماعی موفقیت، جایگزین پایگاه محول و آداب می‌شود، در این صورت تهدیدهای هویتی ناشی از شکست نقشی، احتمالاً بیشتر می‌شود. این نظریه ممکن است بتواند تبیین کند که چرا در کشورهای توسعه‌یافته افراد بیشتری به مواد مخدر پناه می‌برند. میزان بالای جرایم مواد مخدری، احتمالاً در جوامع یا گروه‌هایی به چشم می‌خورد که فرد به‌خوبی با واحد اجتماعی بزرگتر ادغام نشده است. چنین فردگرایی

بی‌قید و بندی احتمالاً منجر به نارضایتیهای شخصی قابل توجهی خواهد انجامید، که باعث سوق دادن افراد به ارتکاب جرایم، از جمله جرایم مواد مخدری خواهد شد. ملاحظه می‌شود که به‌ازای یک واحد افزایش انحراف معیار در صنعتی شدن ۰/۱۷، انحراف معیار به میزان جرایم مواد مخدری افزوده می‌شود، زیرا فرایندهای مدرنیزاسیون در جوامع بدون پیامد نیست و ممکن است موجب شکاف بین رفتارهای جدید و ارزشهای حمایت‌کننده در بخش وسیعی از جامعه گردد. متغیر دیگری که با جرایم مواد مخدری ارتباط دارد، متغیر دسترسی به مواد مخدر است. در واقع، وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر را می‌توان برحسب ساختار فرصت غیرقانونی تبیین کرد. بدین معنی که در مناطقی که سهولت بیشتری در دسترسی به مواد مخدر وجود دارد، افراد فرصت بیشتری برای ارتکاب جرایم مواد مخدری دارند، زیرا در چنین مناطقی موقعیتهایی برای افراد فراهم می‌شود تا مرتکب جرایمی مرتبط با مواد مخدر گردند.

آخرین متغیری که تغییرات میزان جرایم مواد مخدری را پیش‌بینی می‌کند، متغیر میزان بیکاری است، به‌طوری که، به‌ازای یک واحد افزایش انحراف معیار در میزان بیکاری، ۰/۱۱ انحراف معیار به میزان جرایم مواد مخدری افزوده می‌شود. مشکلات مربوط به تحرک نزولی، مثل بیکاری با مشکلات مرتبط با کار، احتمال تخلفات مرتبط با مواد مخدر را افزایش داده است. بیکاری یک متغیر جمعیتی است که می‌توان آن را به آنومی نیز نسبت داد، زیرا بیکاری می‌تواند موجب گسیختگی از نقشهای اجتماعی و روابط برای اشخاص بیکار و همچنین سایر کسانی که در آن جامعه هستند شود؛ از این رو است که انتظار می‌رود بیکاری با جرایم مواد مخدری مرتبط باشد.

دومین وجه از الگوی تحلیلی تحقیق، مربوط به متغیرهای تبیین‌کننده میزان فردگرایی است. مهم‌ترین متغیر در پیش‌بینی تغییرات میزان فردگرایی، وضعیت آنومیک می‌باشد؛ یعنی اگر وضعیت آنومیک یک واحد انحراف معیار تغییر کند (کم یا زیاد شود)، میزان فردگرایی نیز ۰/۵۷ انحراف معیار تغییر خواهد کرد (کم یا زیاد می‌شود). صنعتی شدن، متغیری است که نسبت به وضعیت آنومیک، ضریب مسیر کمتری را به خود اختصاص داده است، به‌طوری که، به‌ازای یک واحد افزایش انحراف معیار صنعتی شدن ۰/۲۱، انحراف معیار به میزان فردگرایی افزوده می‌شود. ساخت اجتماعی جامعه سنتی، ساختی است که در آن مردم،

نزدیکان و همسایگان خود را می‌شناختند و از آنچه از آنها انتظار می‌رفت، آگاهی داشتند. علاوه بر این، در اجتماعات سستی، کسانی که مرتباً با هم کنش متقابل برقرار می‌کنند، خرده جمعیهایی را شکل می‌دهند و این خرده جمعیهها غالباً خرده فرهنگ و سبک زندگی خاص خود را به وجود می‌آورند. این امر به آنها احساس همبستگی می‌دهد و مانع از بروز فردگرایی در این گونه اجتماعات می‌شود؛ در حالی که، سازماندهی جمعیههای بزرگ، همیشه مشکل‌تر از جمعیههای کوچکتر است، زیرا همان‌طور که تعداد مردم افزایش می‌یابد، تماس چهره‌به‌چهره افراد دشوارتر می‌شود و وقت کافی برای دیدار، صحبت کردن و شناختن دیگران وجود ندارد. به علاوه، کیفیت کنش متقابل - یعنی شدت هیجان، عاطفه و اعتماد متقابل - کاهش می‌یابد. به این دلیل، وقتی مردم نتوانند مستقیماً با هم کنش متقابل برقرار سازند و نتوانند تجربه‌ای از همبستگی با یکدیگر را احساس کنند، میزان فردگرایی افزایش خواهد یافت.

سومین وجه الگوی تحلیلی مربوط به بررسی رابطه بین صنعتی شدن و وضعیت آنومیک است. ضرایب مسیر الگوی تحلیلی نشان‌دهنده این است که اگر میزان صنعتی شدن یک واحد انحراف معیار تغییر کند (کم یا زیاد شود)، وضعیت آنومیک نیز $0/52$ انحراف معیار تغییر خواهد کرد (کم یا زیاد می‌شود). به نظر دورکیم، یک جامعه با یک نسبت جمعیتی بالاتر، انتظار می‌رود که به لحاظ اخلاقی متراکم‌تر باشد. تراکم اخلاقی به وجود آورنده یک نیاز برای تولید کارآور کالاها برای ارضای تقاضاهای جمعیت است. از این‌رو، یک رابطه مستقیم بین تراکم اخلاقی و استعداد صنعتی و تقسیم کار پیش‌بینی می‌شود. اگر اجزای هنجاری جامعه تأثیرشان را در حالتی از همبستگی ارگانیک از دست بدهند، آرزوها و تمایلات انسان بی‌قاعده خواهد شد و از توان جامعه برای ارضای آنها تجاوز خواهد کرد. هرچه صنعتی شدن بیشتر و تقسیم کار گسترده‌تر باشد، سطح آنومی بیشتر خواهد بود. نهایتاً، یک جامعه با آنومی بالا، انتظار می‌رود که دارای درجه بالایی از بی‌سازمانی اجتماعی باشد.

چهارمین وجه الگوی تحلیلی مربوط به تبیین فعالیت قاچاقچیان است. مهم‌ترین متغیر در پیش‌بینی تغییرات میزان فعالیت قاچاقچیان، متغیر وضعیت آنومیک است که به‌ازای یک واحد افزایش انحراف معیار وضعیت آنومیک، $0/43$ انحراف معیار به میزان

1. Urbanized

فعالیت قاچاقچیان افزوده می‌شود. متغیرهای بیکاری و بی‌سازمانی اجتماعی سهم کمتری در تبیین تغییرات میزان فعالیت قاچاقچیان دارند و به‌ازای یک واحد افزایش انحراف، معیار بیکاری و بی‌سازمانی اجتماعی به ترتیب ۰/۱۴ و ۰/۱۳ انحراف معیار فعالیت قاچاقچیان افزایش می‌یابد. در بسیاری از تحقیقات از مهاجرت و طلاق به‌عنوان معرف‌های بی‌سازمانی اجتماعی - که با تغییر در فرهنگ، گسیختگی علقه‌های خانوادگی و پیوندهای دوستی عجین شده‌اند - استفاده شده است. تبیین نظری که در پشت ایده استفاده از میزان مهاجرت به‌عنوان معرف بی‌سازمانی اجتماعی وجود دارد، این است که مهاجرت و تحرک زیاد دیگر فرصتی برای برقراری رابطه پایدار با افراد یا اشیاء باقی نمی‌گذارد و آن احساس تعهد و توان ریشه دوانیدن و دلبسته شدن رو به ضعف می‌نهد. از این رو، می‌توان انتظار داشت که بالا بودن میزان مهاجرت موجب سست شدن و گسیختگی علقه‌های خانوادگی و پیوندهای دوستی خواهد شد، که این امر نیز به منزله شرایط مستعدکننده بروز جرایم مواد مخدری است.

پنجمین وجه الگوی تحلیلی تحقیق مربوط به متغیرهای تبیین‌کننده بی‌سازمانی اجتماعی است. ضرایب مسیر نشان می‌دهد که به‌ازای یک واحد افزایش انحراف معیار وضعیت آنومیک، ۰/۳۳ انحراف معیار به بی‌سازمانی اجتماعی افزوده می‌شود. آنومی یعنی حالتی از بی‌هنجاری ناشی از تغییر اجتماعی سریع، که موجب از بین رفتن کنترل اجتماعی و بی‌ثباتی می‌شود. وضعیت آنومیک، وضعیتی است که در آن هنجارهای اجتماعی، نظارت

جدول ۴: آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر روی جرایم مواد مخدری

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
صنعتی شدن	۰/۱۷	۰/۲۰	۰/۳۷
بی‌سازمانی اجتماعی	—	۰/۰۲	۰/۰۲
بیکاری	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۱۳
فردگرایی	۰/۱۷	—	۰/۱۷
وضعیت آنومیک	۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۳۷
فعالیت قاچاقچیان	—	۰/۱۳	۰/۱۳
دسترسی به مواد مخدر	۰/۱۶	—	۰/۱۶

و کنترل خود را بر روی رفتار فرد از دست می‌دهند و فردی که در یک جامعه آنومیک زندگی می‌کند، انتظار می‌رود که تحلیل رفتن تعلقاتش را به جامعه تجربه نماید. جدول شماره ۴ که نشان‌دهنده تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و تأثیر کل متغیرهای الگوی تحلیلی تحقیق می‌باشد، مبین این است که مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تغییرات میزان جرایم مواد مخدری در استانهای ایران طی ۸۰ - ۶۸ به ترتیب متغیرهای صنعتی شدن، وضعیت آنومیک، فردگرایی، دسترسی به مواد مخدر، بیکاری، فعالیت قاچاقچیان و بی‌سازمانی اجتماعی است. الگوی تحلیلی این تحقیق می‌تواند صرفاً ۲۹ درصد از تغییرات جرایم مواد مخدری در ایران را توضیح دهد و باقیمانده آن را متغیرهای دیگری تبیین می‌کنند که خارج از حیطه بررسی این تحقیق است. از جمله عوامل بیرونی که می‌تواند نقش مهمی در تبیین تغییرات میزان جرایم مرتبط با مواد مخدر در ایران داشته باشد عبارت است از: کشت و وسیع و تولید انبوه مواد مخدر در افغانستان؛ گستردگی مرزی با پاکستان و افغانستان؛ میزان انسداد؛ استحکام و کنترل مرزهای شرقی کشور؛ قاچاقچیان بین‌المللی و منطقه‌ای؛ بازار پررونق مواد مخدر در کشورهای اروپا، امریکا و افریقا؛ مجاورت با مراکز تجاری منطقه‌ای از جمله دبی و بحرین و مسئله تظهير پول؛ وجود مشترکات قومی، فرهنگی و خویشاوندی در مرزهای کشور؛ سودآور بودن قاچاقچیان مواد مخدر و سرریز شدن مواد مخدر در داخل کشور به واسطه ترانزیت آن از خاک ایران. به عبارت دیگر، تبیین جرایم مواد مخدری در ایران بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که در وهله اول به نظر می‌رسد؛ زیرا همان‌گونه که بدان اشاره شد، عوامل بیرونی بسیاری وجود دارند که بررسی آنها بسیار دشوار و بعضاً ناممکن می‌باشد.

- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی* (هوشنگ نایی)، تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹)، *دوباره تقسیم کار اجتماعی* (باقر پرهام)، تهران: کتابسرای بابل.
- ستاد مبارزه با مواد مخدر. (۱۳۸۰-۱۳۶۸)، *سالنامه‌های آماری - تحلیلی*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- مرکز آمار ایران. (۸۰-۱۳۶۸)، *سالنامه آماری*. تهران: مرکز آمار ایران.
- Akers, Ronald. L. Christine, Sellers. (2004), **Criminological Theories: Introduction, Evaluation and Application**, Fourth Edition. Los Angeles: Roxbury Publishing Company.
- Bursik, Robert. J. Harold. G. Grasmick. (1993), **Neighborhoods and Crime: The Dimensions of Effective Community Control**. New York: Lexington Books.
- Bursik, Robert. J. (1988), **Social Disorganization and Theories of Crime and Delinquency: Problems and Prospects**. *Criminology* Vol 26. No 4.
- Deflem, Mathieu. (1989), **From Anomie to Anomia Depression: A sociological Critique on the Use of Anomic in Psychiatric Research**. *Social Science and Medicine*. Vol. 29.
- Faupel, Charles. E. (1998), **Heroin Use, Crime and Employment Status**. *Journal of Drug Issues*. 18 (3), pp. 467-479.
- Faupel, Charles. E. Klockars, Carl. B. (1987), **Drugs-Crime Connections: Elaboration from the Life Histories of Hard-Core Heroin Addicts**. *Social Problems*. 34 (1), pp. 54-68.
- Figlio, R. Hakim, S. G. Rengert. (1986), **Metroplitan Crime Patterns**. Monsey NY: Criminal Justice Press.
- Gottfredson, D. Mcneil, R. Gottfredson. (1991), **Social Area Influences on Delinquency: A Multilevel Analysis**. *Journal of Research in crime and Delinquency* 28: 197- 226.
- Krohn, Marvin. D. (1978), **A Durkheimian Analysis of International Crime Rates**. *Social Forces* 57: 654 - 670.
- Krohn, Marvin. Lornn, D. Kaduce, Lanza. Ronald, Akers. (1985), **Social Learning Theory and Adolescent Cigarette Smoking**. *Social Problems*. 32, pp. 455-73.

- Kuhn, Joseph Bernard. (2000), **Assessing the Relationship between Drug Use and Serious Violence: A Multi- Causal Approach**. State University of New York at Albany.
- Osgood, D. Chambers, j. (2000), **Social Disorganization Outside the Metropolis: An Analysis of Rural Youth Violence**. *Criminology* 38(1): 81-115.
- Paulsen, Derek. Matthew, J. Robinson, B. (2004), **Spatial Aspects of Crime: Theory and Practice**. New York: Pearson.
- Robinson, M. (2004), **Why Crime? An Integrated Systems theory of Antisocial Behavior**. Upper Saddle River NJ: Prentice- Hall.
- Sampson, R. Groves, B. (1989), **Community Structure and Crime: Testing Social Disorganization Theory**. *American Journal of Sociology* 94: 774-802.
- Sampson, R. Wilson, W. (2000), **Toward a Theory of Race Crime and Urban Inequality** In J Hagan and Peterson (eds). *Inequality and Crime*. Stanford CA: Stanford University Press.
- Verysey, B. Messner, S. (1999), **Further Testing of Social Disorganization Theory: An Elaboration of Sampson and Groves Community Structure and Crime**. *The Journal of Research in Crime and Delinquency* 36(2): 156-174.
- Walsh, A. (2002), **Biosocial Criminology: Introduction and Integration**. Cincinnati OH: Anderson Publishing.
- Warner, Barbara. Glenn, D. Pierce, L. (1993), **Re- Examining Social Disorganization Theory Using Calls to The Police as a Measure of Crime**. *Criminology* 31: 493-518.